

Research Article

The position of environmental rights in the development of human rights generations and its jurisprudential dimensions

Naser Sharifi¹, Seyed Javad Mirghasemi², Mehdi Shabannia Mansour³,

Received: ۲۰۲۴/۰۳/۰۵

Accepted: ۲۰۲۴/۰۶/۱۷

Abstract

The issue of the environment is one of the most important and fundamental issues in the relations between governments and people, as well as between NGOs and governments. Today, the natural environment is under threat because, with the help of technology, humans are able to destroy the environment on the surface of the planet. Solidarity rights or the third generation of human rights require the efforts and cooperation of all countries in the world, and that is why the name solidarity is the most appropriate name for these rights. One of the rights included in the third generation is the right to a healthy environment. Undoubtedly, whenever pollution and destruction engulf the environment; The ground for contracting various diseases and, as a result, increasing mortality and reducing life expectancy will be a problem for that country and even its neighbors. In the meantime, environmental pollution itself is one of the fundamental factors in the field of people's health rights and related problems. From the perspective of the Iranian legislator, citizenship rights are a privilege that is given to citizens within the borders, but citizenship rights from the perspective of the environment cannot be limited to borders because the environment crosses borders. The perpetrator of the polluting act is called a violator of the environmental rights of citizens. Most behaviors that contradict the environmental rights of citizens are classified as crimes committed against living or non-living elements or indirect crimes against the environment according to the law. Pollution in any form, including visual, water, air, waste, etc., endangers the mental, emotional, and physical health of citizens and poses a serious threat to the most fundamental right of citizenship, which is the right to life and health. Therefore, the performance of specialized courts and prosecutors in the field of environment should be a barrier against violators of citizenship rights.

Keywords: *Environment, development rights, generations of human rights.*

¹ - PhD student, Department of Public Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

^{2,4} - Assistant Professor, Department of Public Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (corresponding author) drjavad.mirghasemi@gmail.com

³ - Assistant Professor, Department of Public Law, Shiraz Branch, Islamic Azad University, Shiraz, Iran.

مقاله پژوهشی

جایگاه حقوق محیط زیست در توسعه نسل های حقوق بشری و ابعاد فقهی آن

ناصر شریفی^۱، سیدجواد میرقاسمی^۲، مهدی شعبان نیا منصور^۳

چکیده

مسئله محیط زیست، از مسائل مهم و اساسی در روابط بین دولت ها و مردم و همچنین سازمان های مردم نهاد و دولت ها می باشد. امروزه، محیط زیست طبیعی مورد تهدید است زیرا، انسان با کمک فناوری، قادر است تا در سطح کره زمین، به تخریب محیط زیست اقدام کند. حقوق همبستگی یا نسل سوم حقوق بشر مستلزم تلاش و همکاری تمام کشورهای دنیاست و از همین روست که نام همبستگی به حق شایسته ترین نام برای این حقوق می باشد. یکی از حقوق مندرج در نسل سوم، حق بر داشتن محیط زیست سالم می باشد. بی شک هرگاه آلودگی و تخریب، زیست محیط را فراگیرد؛ زمینه برای ابتلاء به انواع بیماری و در نتیجه ی آن افزایش مرگ و میر و کاهش سن امید به زندگی امر مبتلا بهی برای آن کشور و حتی همسایگانش خواهد بود. در این بین آلودگی های زیست محیطی خود یکی از عوامل اساسی در زمینه حقوق سلامت مردم و معضلات مرتبط با آن است. از دیدگاه قانونگذار ایرانی حقوق شهروندی یک امتیاز است که به اتباع کشور در محدوده مرزها داده می شود، ولی حقوق شهروندی از دیدگاه محیط زیست را نمی توان محدود به مرز نمود زیرا محیط زیست مرزها را در می نورد. فاعل فعل آلوده کننده را ناقض حقوق زیست محیطی شهروندی می نامند. اغلب رفتارهای نقیض حقوق زیست محیطی شهروندی مطابق قانون، در دسته بندی جرایم ارتكابی نسبت به عناصر جاندار، بی جان و یا جرایم غیرمستقیم علیه محیط زیست قرار می گیرد. ایجاد آلودگی به هر شکل آن از جمله آلودگی های بصری، آب، هوا، پسماندها و غیره، سلامتی روحی، روانی و جسمی شهروندان را به خطر می اندازد و اصلی ترین حق شهروندی را که همانا حق حیات و سلامتی است با خطر جدی مواجه می سازد. لذا عملکرد دادگاه ها و دادرهای تخصصی در زمینه محیط زیست باید مانعی در مقابل ناقضان حقوق شهروندی باشد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، حقوق توسعه، نسل های حقوق بشری

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

^۲ - استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) drjavad.mirghasemi@gmail.com

^۳ - استادیار، گروه حقوق عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حق به محیط زیست منعکس کننده ارزش های متعالی و پایه ای همانند حق به حیات، حق به زندگی، با استاندارد می باشد و هم با پیش نیاز تداوم حیات نسل کنونی و نسل های آتی همانند توسعه پایدار ارتباط تنگاتنگ و ارگانیک دارد. مقوله محیط زیست و حفاظت از آن یکی از مباحث مهم و اساسی مطرح در جهان می باشد که امروزه به صورت مستمر در حال پیشرفت و تکامل است، و در چند دهه اخیر مورد توجه سیاستگذاران و برنامه ریزان اقتصادی کشور های مختلف قرار گرفته است. در دهه های اول بعد از جنگ جهانی دوم در بحث توسعه اقتصادی و صنعتی جوامع، توجه چندانی به آثار و پیامد های زیست محیطی فعالیت های توسعه ای نمی شد. و این امر باعث گردید صدمات جبران ناپذیری بر منابع زیست محیطی جهان وارد گردد. گسترش اقدامات تخریب کننده منابع زیست محیطی و افزایش عوارض منفی آن بر زندگی انسان ها موجب گردید تا بحث (توسعه پایدار) با هدف خدمت به بشر شکل بگیرد.

آنچه از وضع قوانین و مقررات بر می آید نشان می دهد که نظام های حقوقی برای حفظ طبیعت، عزم خود را جزم کرده، چرا که قوانین بسیاری در این باره تصویب شده است. تردیدی نیست که برای مقابله با تهدیدات موجود برای محیط زیست، وجود قوانین و مقررات کارآمد می تواند بسیار مفید و موثر باشد. هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست شود، مصداق آلوده کردن محیط زیست است. تعریف ماده ۹ قانون حفاظت از محیط زیست را از آلودگی می توان به عنوان یک تعریف جامع پذیرفت. مطابق این قانون، آلودگی عبارت است از:

پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین، به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طور زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه تغییر دهد. طبق اصل ۵۰ قانون اساسی "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

این بدین معناست که هم دولت باید در این زمینه کوشا باشد و هم مردم. اصل ۵۰ قانون اساسی به دولت این امکان را می دهد تا از ظرفیت های مردم در این خصوص استفاده کند و مردم را در حل این مشکلات یاری دهد.

توسعه ی صنعتی و مدرنیزه کردن زندگی و جامعه در جوامع پیرامونی (جهان سوم) که فقط دارای مواد خام زیرزمینی هستند، به انحراف از هدف اصلی توسعه ی پایدار که همان بهبود زندگی مردم و جامعه ی خود می باشد، کشیده شده و زندگی آرام آنان در محیط زیست بکر و زیبایشان در پس دود و آلودگیهای زیست محیطی ناشی از صنعتی شدن رنگ می بازد.

اساساً فراموش می‌شود که اصلِ فعالیت‌های صنعتی، اقتصادی برای بهتر کردن زندگی و زیست جهان شهروندان است و ایجاد بزرگ راه و راه انداختن چرخهای صنعت برای دستیابی به توسعه و رسیدن به رفاه نباید به قیمت از بین رفتن محیط زیست که جای زندگی ماست منجر شود.

در کشورهای در حال توسعه با پشتوانه‌ی صنایع آلوده‌کننده به منظور برخورداری از صنعت زیست جهان، شهروندان و همه موجودات به خطر می‌افتد و دولت، خود را وامدارِ مردم ندانسته و با منابع رانتی‌ای که در اختیار دارد، به خواسته‌های دوستداران محیط زیست هیچ‌گونه وقع و اعتنایی نمی‌نهند و به آلودگی محیط زیست ادامه می‌دهد و شرایط زندگی را برای انسان‌ها، حیوانات، گیاهان، آبزیان و... در وضعیتِ اضطراری قرار می‌دهد.

همه با پاک کردن صورت مساله اثرات و پیامدهای صنعتی شدن، فراموش کرده اند و دست به ایجاد ادبیاتی به نام مدرنیته زده‌اند که کاملاً ضد انسانی - ضد اخلاق می‌باشد. همواره دیده‌ایم که منازعه بر سر اسم و رسم‌های تاریخی به جنگ، کشتار جمعی، نسل‌کشی و آلودگی محیط زیست انجامیده است. به نظر می‌رسد به جای پرداختن به توسعه روز افزون صنعتی شدن باید به چگونگی پیامدهای منفی وضعیت زیست در مناطق در حال توسعه پرداخت و با توجه به مسایل و قوانین زیست محیطی برای دستیابی به محیطی زیستی سالم توأم با امکانات و صنایعی بی خطر اقدام نمود. در جامعه‌ای که زیست در آن با آلودگی گسترده‌ی محیط روبه‌رو است، 'زبان' و 'قلم' هم دچار آلودگی و انحراف می‌شود. و با دروغ و پنهان نمودن واقعیت آنچه بر سر محیط زیست خود آورده ایم سعی در لفافه سازی و کتمان واقعیت مخرب محیط زیست آلوده خود داریم.

۱- مفهوم محیط زیست

محیط زیست از دو کلمه محیط و زیست ترکیب یافته است که در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. این عنوان از نظر لغت مواردی هم چون آلودگی هوا، راه های جلوگیری از تخریب طبیعت و... را شامل نمی شود، اما امروزه مفاهیم گوناگون را از آن ارایه می نمایند مثل آب و هوا، جنگل، کوه، حقوق حیوانات و پرندگان، راه های جلوگیری از آلودگی هوا، راه های مبارزه با عوامل مخرب طبیعت و...^۱

۳۵۸

مبانی فقهی حقوق اسلامی

متون قانونی محیط زیست را به طور جامع و مانع تعریف نکرده اند؛ همین امر در تفسیر ماهوی قوانین مربوط به محیط زیست اشکال هایی را به وجود آورده است. در قوانین داخلی از محیط زیست در رابطه با طبیعت، منابع طبیعی، بشر و مناظر سخن گفته شده است. در این راستا می توان به برخی از قوانین و مقررات مانند قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع کشور، قانون شکار و صید، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، قانون شهرداری و... اشاره نمود.

معاهدت و کنوانسیون های بین المللی، تعریف خاصی از محیط زیست ارائه نداده اند. درباره تعریف اصطلاحی محیط زیست، مفاهیم و عبارات گوناگونی بیان شده است که صرف نظر از وجود اختلاف در کلیات و الفاظ، تشابه فراوانی از حیث مفهوم میان آن ها وجود دارد. محیط زیست به عنوان یکی از رشته های مطالعاتی، تعریف و مفهوم مخصوص به خود دارد.

وجود استمرار حیات انسانی و تمامی گیاهان و جانوران منوط به وجود محیط مادی مناسب است. این محیط مادی و یا به عبارت دیگر محیط زیست مجموعه ای مرکب از آب، هوا و ذرات معلق نظیر دوده، خاک و غبار است. به عبارت دیگر «محیط زیست مشکل است از نظام های اتمسفر (که از هوا و ذرات آب و ذرات معلق تشکیل شده)»، هوایی که ما آن را استنشاق می کنیم و به وسیله آن نفس می کشیم؛^۲

البته پدیده های غیر زنده نیز می توانند دارای محیط باشند، لیکن فاقد محیط زیست اند، به عنوان مثال سنگ مادر تحت تاثیر عوامل محیطی (تخریب فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیک) به خاک مبدل می شود. در صورتی که موجود زنده از مکانی به مکان دیگر تغییر وضعیت دهد، محیط آن موجود تغییر می یابد مانند حرکت از محیط خانه به خیابان، محیط پارک، محیط اداره. لیکن کلیه این حرکت ها و جابجایی ها در محدوده محیط زیست صورت می گیرند، زیرا مفهوم محیط زیست، چه از نظر لغوی و چه از لحاظ واقعیت آن، در بر گیرنده کل فضای حیاتی کره خاکی می باشد. به بیان دیگر این محیط زیست است که، در درون خود محیط های گوناگون را جای داده است.

می دانیم که امروزه بحث محیط زیست و بحران های ناشی از آلودگی آن مساله ای که همه جهانیان را به فکر واداشته. چرا که محیط زیست ارتباطی تنگاتنگ با حیات و سلامت انسانها داشته و آلودگی آن زندگی همه جانداران را تهدید خواهد کرد. امروز بسیاری از انواع بیماریهای جسمی و روانی مخصوصاً در شهرهای بزرگ ناشی از همین آلودگیها بوده و انسانها در معرض مرگ تدریجی قرار گرفته اند. بنظر می

^۱ محمودی کردی، زهرا، (۱۳۹۲)، جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه پژوهشی حقوق عمومی ص ۳۱

^۲ نیامیر، آیدین (۱۳۸۹)، محیط زیست در اینترنت - نشریه موج سبز - سال دوم شماره ششم ص ۷۶

رسد ارائه یک تعریف جامع و مانع از محیط زیست تقریباً غیرممکن باشد. چرا که مفهوم محیط زیست و دامنه شمول آن بسیار گسترده است و تعریفی که بتواند بطور کامل در برگیرنده همه جنبه های آن باشد کاری مشکل است.^۱

دکتر قوام در تعریف محیط زیست آورده اند «محیط زیست به تمامی محیطی اطلاق می شود که نسل انسان بطور مستقیم و غیر مستقیم به آن وابسته است و فعالیتهای او در ارتباط با آن قرار دارد.

در تعریف دیگری چنین آمده: «محیط زیست عبارتست از محیطی که فرآیند حیات را فراگرفته و با آن برهم کنش دارد، محیط زیست از طبیعت، جوامع انسانی و نیز فضاهاهایی که با فکر و به دست انسان ساخته شده اند تشکیل یافته است و کل فضای زیستی کره زمین، یعنی زیست کره را فرامی گیرد.

می بینیم که در تعاریف فوق محیط زیست را محیطی مرتبط با حیات و زندگی انسان می دانند و این خود نشانه اهمیت آنست. چرا که هر آنچه زندگی بشر را تحت تاثیر قرار دهد از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با توجه به اهمیت این مفهوم کشورها درصدد حمایت از آن برآمدند اما هرکشور به یکی بیا برخی از عناصر مشخص زیست محیطی توجه کرده است.

به عبارتی هر کشوری با توجه به محیط جغرافیایی، پیرامون و انسانی خود جنبه هایی را که بیشتر با آن در تماس بوده مد نظر قرار داده. مثلاً به طور طبیعی کشوری که اطراف آن را بیشتر آب فراگرفته بیشتر در زمینه حمایت از آبها و مسائل مربوط به صید فعالیت می کند یا کشوری که در آن جنگلهای فراوان وجود دارد بیشتر به بحث شکار و جنگلها و مراتع پرداخته است.

محیط زیست در اصطلاح به کلیه عوامل تهدید کننده یا بهبود بخش محیط زندگی اطلاق می شود. محیط زیست همه چیز را در بر می گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل می شود. در کلیه فعالیت های بشر تاثیر داشته و نیز از آن متاثر می شود. محیط یک موجود زنده عبارت است از فضایی که موجود زنده را احاطه کرده و از طریق روابط متقابل گوناگون با آن در تماس قرار دارد. به بیان دیگر، محیط را می توان مجموعه عوامل جاندار و بی جانی دانست که، در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تاثیر خود قرار می دهند.^۲

البته پدیده های غیر زنده نیز می توانند دارای محیط باشند، لیکن فاقد محیط زیست اند، به عنوان مثال سنگ مادر تحت تاثیر عوامل محیطی (تخریب فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیک) به خاک مبدل می شود. در صورتی که موجود زنده از مکانی به مکان دیگر تغییر وضعیت دهد، محیط آن موجود تغییر می یابد مانند حرکت از محیط خانه به خیابان، محیط پارک، محیط اداره. لیکن کلیه این حرکات ها و جابجایی ها در محدوده محیط زیست صورت می گیرند، زیرا مفهوم محیط زیست، چه از نظر لغوی و چه از لحاظ واقعیت آن، در بر گیرنده کل فضای حیاتی کره خاکی می باشد. به بیان دیگر این محیط زیست است که، در درون خود محیط های گوناگون را جای داده است.^۳

^۱ همان ص ۷۷

^۲ مجنونیان، ه؛ میراب زاده، پ. و دانش، م. (۱۳۸۶)، راهنمای ارزیابی پیامدهای توسعه بر محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست ص ۲۰

^۳ همان ص ۲۳

می دانیم که امروزه بحث محیط زیست و بحران های ناشی از آلودگی آن مساله ای که همه جهانیان را به فکر واداشته. چرا که محیط زیست ارتباطی تنگاتنگ با حیات و سلامت انسانها داشته و آلودگی آن زندگی همه جانداران را تهدید خواهد کرد. امروز بسیاری از انواع بیماریهای جسمی و روانی مخصوصاً در شهرهای بزرگ ناشی از همین آلودگیها بوده و انسانها در معرض مرگ تدریجی قرار گرفته اند. بنظر می رسد ارائه یک تعریف جامع و مانع از محیط زیست تقریباً غیرممکن باشد. چرا که مفهوم محیط زیست و دامنه شمول آن بسیار گسترده است و تعریفی که بتواند بطور کامل در برگیرنده همه جنبه های آن باشد کاری مشکل است.

۲- دلایل لزوم حمایت از محیط زیست

می دانیم که هر گونه فعالیت و پیشرفت انسان نیاز به محیطی مناسب جهت زندگی و زیست دارد. در زمانهای گذشته انسانهایی که از طبیعت و محیط زیست استفاده می کردند خودشان به عنوان یکی از عناصر محیط زیست بشمار می رفتند و در خدمت و اسیر طبیعت ها بودند و به قدر نیازشان از طبیعت سود می بردند اما با پیشرفت های انسان و رشد تکنولوژی و صنعت در چند دهه گذشته این طبیعت بود که به خدمت انسان درآمد و انسانها برای رفع نیازهای خویش و بهره گیری از محیط پیرامونی شان به تخریب طبیعت دست زدند. پیامدهای این پیشرفت و بهره برداری نابودی محیط زیست، آلودگی آن و در نهایت گرفتار شدن انسان بود.^۱

انواع آلودگی های صوتی، شیمیایی، آب، خاک، هوا و .. دستاورد این بهره برداری بی رویه انسان از محیط پیرامونی اش برد. آمارها نشان می دهند که آلودگی هوا سالانه موجب مرگ و میر ۳ میلیون نفر در جهان می شود. به گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بیش از ۹۰ درصد مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوا در کشورهای در حال توسعه بعلت آلودگی هوا در فضای بسته عارض می شود.^۲

در زمینه آلودگی صوتی نیز می بینیم که سر و صدا یکی از عوامل طبیعی است که به سلامت روانی افراد آسیب می رساند. بیشتر شهروندان تهرانی در مناطقی زندگی می کنند که سر و صدا در آن مناطق تا ۸۰ دسی بل نیز می رسد. این میزان سروصدا برای یک منطقه مسکونی با توجه به استاندارد های تعیین شده در کشورهای مختلف بالاتر از حد مجاز برای آلودگی صوتی است.^۳

برطبق آخرین تحقیقات، رابطه مستقیم بین رفتار جنایتکارانه در کودکان و آلودگی ناشی از سرب در محیط وجود دارد. مطالعات گسترده درباره اثرات سود سرد، بار دیگر حاکی از عواقب جبران ناپذیر این ماده خطرناک بر روی کودکان است. از جمله اینکه کودکانی که در معرض مقادیر بالای این ماده قرار می گیرند

^۱ علی نژاد، امیر مهدی، (۱۳۹۳)، جایگاه اراضی ملی در انفال، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان، ص ۱۸

^۲ نیامیر، پیشین ص ۳۶

^۳ عباسی محمود، (۱۳۸۹) رضایی راحله، «حق بر سلامت از منظر اخلاق زیستی و حقوق بشر» مجموعه مقالات همایش ملی حقوق و اخلاق در زیست فناوری. ص ۷۸

بطور جدی دچار پوسیدگی دندان‌ها می‌شوند. تحقیقات ثابت کرده کودکانی که در حین رشد در معرض آلایندگی قرار می‌گیرند، آمادگی بیشتری جهت انجام رفتارهای خشونت‌آمیز دارند. پرفسور «نیدل من» از دانشگاه پترزبورگ در روش تحقیق خود در این مورد از یک تکنیک ویژه پرتوهای ایکسین استفاده نمود و با مقایسه میزان سرب موجود در استخوان ۲۱۶ مجرم خردسال و میزان سرب موجود در ۲۰۰ دانش‌آموز دبیرستانی که از سلامت روانی برخوردار بودند به تفاوت چشمگیری در زمینه میزان سرب موجود در بدن این ۲ گروه رسید.^۱

اثرات نامساعد آلودگی‌های زیستی محیطی بر سلامت و زندگی انسانها و جانداران بقدری فراوان و چشمگیر است که همگان را بر آن داشته تا به حمایت از محیط زیست خود برخیزند. با توجه به اثرات طبیعت و محیط زیست بر سلامتی و زندگی بشر حمایت از آن امری انکارناپذیر است. و این نکته ای بود که صاحب‌نظران را بر آن داشت تا از حقوق محیط زیست کمک بگیرند و به فکر تدوین قوانینی در این زمینه باشند.^۲

۳- حق بر محیط زیست سالم در نسل‌های حقوق بشر

در یک تقسیم‌بندی کلی سه نسل برای حقوق بشر ذکر شده است، که ترتیب نسل‌های آن بنابر معیار زمانی و تاریخی است. به عبارت دیگر، با توجه به زمان طرح هر دسته، از این حقوق ترتیب خاصی برای آن‌ها ذکر شده است. بدین ترتیب که حقوق مدنی و سیاسی به جهت تاریخی مقدم‌تر در طرح آن حقوق نسل اول و حقوق نسل اول و حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی که بعداً مطرح گردید حقوق نسل دوم نام‌گذاری شده‌اند. تأمین اجتماعی نیز با توجه به جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی آن از جمله اساسی‌ترین حقوقی است که در زمره حقوق اقتصادی و اجتماعی قرار می‌گیرد.^۳

۳-۱- نسل اول حقوق بشر و جنبه‌های حق بر محیط زیست سالم

این اصطلاح برای بیان دسته‌ای از حقوق بشر استفاده می‌شود که جنبه‌های سیاسی و مدنی را در بر می‌گیرد و عمدتاً دارای حق رای‌دهی، حق بیان، حق مساوات، حق زندگی، امنیت، مالکیت و مشارکت سیاسی است و اگر چه رعایت حقوق فردی در ابعاد گوناگون نظیر کمک به حق زندگی و یا مساوات در این نسل قابل برداشت بوده، اما ملاحظه‌های این نسل بیشتر بر جنبه سیاسی آن تکیه دارد.^۴ نسل اول حقوق

^۱ نیامیر، پیشین ص ۷۹

^۲ همان ص ۵۸

^۳ ملکی روح الله، (۱۳۸۴)؛ بررسی حق تأمین اجتماعی به عنوان یک حق بشری، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵، ص ۱۵۱

^۴ درخشه، جلال (۱۳۹۳)؛ «پیشبرد حقوق بشر در عرصه نابرابری‌های اجتماعی - اقتصادی» مجله مطالعات و ارتباطات، سال بیست و پنجم شماره ۱۵، ص ۴۸

بشر، دارای ماهیت مدنی و سیاسی است و در جهت حمایت از فرد در مقابل تندروی دولت بکار برده می شوند، مانند آزادی بیان، حق محاکمه عادلانه، آزادی مذهب و حق رای از مهم ترین این حقوق می باشند.^۱

۳-۲- نسل دوم حقوق بشر و جنبه های حق بر محیط زیست سالم

۳۶۲

مبانی فقهی حقوق اسلامی

نسل دوم یا همان حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی، حقوق مثبت یا ایجابی هستند و مقامات آن ملزم به انجام تعهداتی برای تحقق آن هستند. با این وجود، هر چند تفاوت مذکور بین این دو دسته از حقوق و دسته بندی کردن آنها میتواند از لحاظ تئوریک جالب باشد، اما در عمل ممکن است موجب حمایت کمتر از حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی شود. علاوه بر این، بسیاری از نویسندگان به درستی تأکید میکنند که تفاوت میان حقوق سیاسی و مدنی از یک سو و حقوق اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی از سوی دیگر، اساساً نظری، تخیلی و تسهیل بیش از حد این مفاهیم است. نسل دوم، نوعی از حقوق بشر را بیان می کند که حقوق اقتصادی، فرهنگی اجتماعی و اقتصادی، مثل حقوق رفاه، آموزش، آسایش، حق سلامتی، غذا، تعلیم، مسکن و کار را در بر می گیرد. وجه ممیز این حقوق، دسته جمعی و انکشافی بودن آن است. به این معنا که برآورده شدن این حقوق به اقدام ها و برنامه های تدریجی نیاز دارد و دولت مکلف است تا با استفاده از ظرفیت و منابع اقتصادی خود برای فراهم کردن این حقوق گام بردارد. همان طور که از مصادیق حقوق این نسل نمایان است، مسائلی مانند رفاه، حق آموزش، سلامتی، غذا، تعلیم و مسکن، موجب ارتباط بسیار نزدیک با نابرابری های اجتماعی و فقر است.^۲

این نسل شامل حقوق اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است که از اصل دوم شعار انقلاب کبیرفرانسه «برابری» گرفته شده است. مواد ۲۲ تا ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر به ذکر جایگاه حقوقی این حقوق پرداخته و انواع این حقوق در پیمان نامه بین المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی مجمع عمومی سازمان ملل متحد آمده است.

نسل دوم حقوق بشر بعد از جنگ جهانی اول توسط دولت ها به رسمیت شناخته شد. این دسته از حقوق ماهیت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارند. این نسل به حقوق جمعی توجه دارد و از نظر این دسته، دولت یک دولت حداکثری می باشد زیرا منافع و امکانات در اختیار دولت قرار دارد. نسل دوم شامل حق برخورداری از اشتغال، حقوق مربوط به مراقبت های درمانی و نیز حق تأمین اجتماعی و مزایای بیکاری می باشد؛ همانند نسل اول، نسل دوم نیز توسط اعلامیه جهانی حقوق بشر پوشش داده شده است.^۳

۳-۳- نسل سوم حقوق بشر و حق بر محیط زیست سالم

^۱ ذاکریان امیری مهدی (۱۳۹۴): «حق بر تأمین اجتماعی در روابط بین الملل» فصلنامه مطالعات سیاسی سال هشتم، شماره ۳۰، ص ۶

^۲ درخشه، پیشین ص ۴۹

^۳ ذاکریان، پیشین ص ۶

سومین نسل حقوق بشر، برابری حقوقی می باشد که فراتر از ماهیت صرف مدنی اجتماعی مطرح می باشند. به طوری که در بسیاری از اسناد مترقی حقوق بین الملل تصریح شده است. این اسناد شامل اعلامیه کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست بشری، اعلامیه محیط زیست و توسعه، و برخی دیگر از حقوق انعطاف پذیر می باشد. این نسل بر مواردی مانند حق تعیین سرنوشت، محیط پاک، و حقوق اقلیت های بومی تاکید دارد. این طیف از حقوق به طور جدی در دو دهه آخر قرن بیستم مطرح شدند و نشان گر توسعه مهمی در آموزه های حقوق عمومی بشر هستند.

در واقع، شکل گیری حقوقی مانند حق توسعه، حق صلح، حق محیط زیست سالم، حق مردمان بومی و... موجب شناسایی حقوق برادری گردیده و دوره زمانی آن هم پس از نسل نخست و دوم، در اواخر قرن بیستم است. مؤلفه های اصلی حقوق نسل سوم، برادری و تساوی اینای بشر و مشارکت همه ارکان جامعه مدنی است که منجر به افزایش سطح رفاه عموم می شود؛ به طوری که در بسیاری از اسناد مترقی حقوق بین الملل تصریح شده است. این اسناد شامل اعلامیه کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست بشری (استکهلم ۱۹۷۲)، اعلامیه محیط زیست و توسعه (ریو ۱۹۹۲) و برخی دیگر از حقوق انعطاف پذیر (نرم) است.

۴- توسعه پایدار و محیط زیست

انسان در جهان معاصر در لحظات بسیار حساسی از حیات خود قرار دارد. با گذشت قرنهای زندگی بشر بر روی کره زمین و ظهور و مبارزه انسانهای فرهیخته بسیاری در طول تاریخ برای برقراری مساوات، عدالت و توسعه، هنوز نابرابری در میان کشورها و در درون کشورها نه تنها از میان نرفته که روزبه روز عمیق تر شده و می شود. فقر و گرسنگی، عدم برخورداری از آموزش و بهداشت و آزادی های مشروع در همه کشورها، در مقیاسهای متفاوت، پدیده های شناخته شده و ملموسی هستند. ازدیاد نامعقول جمعیت همراه با عوامل فوق، زیست بومهایی را که حیات بشر بدانها وابسته است، به شدت در معرض نابودی قرار داده است.^۱

حال برای احتراز از نابودی مطلق محیط زیست، همه انسانها- هم تصمیم گیران و هم مردم دیگر- در ابعاد جهانی یا ملی و بویژه در سطح محلی باید این واقعیت مهم را دریابند که پیشرفت و توسعه باید روندی پایدار داشته باشد و از ثمرات آن نه تنها نسل های حاضر که نسلهای آینده نیز بهره مند شوند. توسعه مردم معاصر نباید به قیمت نابودی و اضمحلال زندگی آیندگان که برای دفاع از حقوق خود فعلاً حضور ندارند، تمام شود. همچنین باید بیاموزیم که توسعه حق همه مردم اعم از مرد، زن، پیر و جوان و کودک است و نه تنها همه باید از ثمرات آن بهره مند شوند که باید در روند توسعه نیز مشارکت داشته باشند. «کشوری که مردمش از نظر مسائل زیست محیطی آگاه باشند بیش از دیگر کشورها از بخت توسعه برخوردار است».

^۱ امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۳)، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی علمی و پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی ص

با پیدایش و گسترش مشکلات زیست محیطی، چه در کشورهای صنعتی و چه در کشورهای درحال توسعه از اوایل دهه ۱۹۶۰ سران و اندیشمندان کشورهای غربی را بر آن داشت به فکر گریز از پیامدهای ناگوار این وضع دلهره آور باشند.^۱

هنگامی که در سال ۱۹۸۷ گزارشی تحت عنوان «آینده مشترک ما» از جانب کمیسیون برانت لندن انتشار یافت، مفهوم توسعه پایدار در بحثهای مربوط به محیط زیست در مقابل توسعه در کانون توجه واقع شد و این مفهوم در سال ۱۹۸۰ مورد پذیرش اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت قرار گرفت اما، کلاً در محدوده گفت و شنود طرفداران حفاظت محیط زیست محصور ماند و بنابراین تأثیری اندک بر طرز تفکر و بینش دولتها و مؤسسات کمک رسان برجای نهاد.

مفهوم توسعه پایدار زمانی مطرح شد که موضوعهای زیست محیطی در سرلوحه کار بحثهای سیاسی قرار گرفت و بدین ترتیب به جای اینکه، این مفهوم به عنوان فشاری بر تغییرات محیطی عمل کند، به صورت ابزاری برای حمایت از محیط زیست مطرح شد. با توجه به اینکه بهبود کیفیت محیط زیست و توسعه اقتصادی، اهدافی بالقوه سازگار، هماهنگ یا مکمل یکدیگرند، توسعه پایدار برخی تنشهای ناشی از بینش متضادی را که در رابطه با محدودیتهای رشد در دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد را کاهش می دهد. از اینرو، در سال ۱۹۹۲ بزرگترین کنفرانس محیط زیست و توسعه، با عنوان «سران زمین» و با شرکت هیئتهای نمایندگی ۱۸۰ کشور در ریودوژانیرو کشور برزیل تشکیل گردید.^۲

توسعه پایدار، مفهومی منبعث از تحمیل الزامات زیست محیطی بر فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی است که نخستین بار در گزارش براونلند (۱۹۸۷)؛ صریح و تعریف شد و سپس در بیانیه ریو (۱۹۷۲) به مثابه یکی از اصول پایه ای بهره برداری از محیط زیست و حفاظت از آن، شناسائی گردید.^۳

توسعه، بهره گیری از منابع به منظور ایجاد زیرساخت ها و شرایط مادی پیشرفت یک جامعه به ویژه از نظر دسترسی به علوم و فناوری و همچنین ایجاد ساختارهای اقتصادی و صنعتی است که فعالیت و دستاوردهای آن ها، نیازهای اساسی مردم در روند زندگی عادی را تأمین نماید. در یک نگرش خوشبینانه، اقتصادی سودمند است که در جهت توسعه دولت ها و دیگر عاملان اقتصادی پیش بینی شود.^۴

بر اساس گزارش کمیسیون جهانی توسعه و محیط زیست در سال ۱۹۸۷، توسعه پایدار عبارت است از: «برآوردن نیازهای نسل حاضر بدون به خطر انداختن قابلیت های نسل های آینده به گونه ای که نیازهای نسل کنونی نیز به مخاطره نیفتد».

^۱ همان ص ۷۳

^۲ مطلبی، محمد، (۱۳۸۲)، محیط زیست و حقوق بشر، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم، ص ۱۰۸

^۳ رضائی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۵)؛ «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل های آینده»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست

جهانی، دوره پنجم، شماره اول، ص ۲۴۱

^۴ کیس، ا، (۱۳۹۲)؛ حقوق محیط زیست جلد سوم، ترجمه محمد حسین حبیبی، تهران انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۰

رکن معنوی، ضرورت توجه به لایه بیوسفر در کل آن است و در رکن مادی، حکایت از شناسایی نتایج زوال محیط زیست در بلندمدت دارد و به موجب آن امر واجب حمایت از محیط زیست در گرو حفظ آن برای نسل آینده بشریت است. بیشتر مباحث مربوط به توسعه پایدار در اعلامیه ریو ۱۹۹۲ که تدوین کننده عناصر تشکیل دهنده توسعه پایدار است، مدنظر قرار گرفته اند و وظیفه ای به همان دشواری مربوط به مباحث اصل احتیاط در حقوق بین المللی محیط زیست را مطرح می کنند.

اضافه شدن قید «پایدار» به توسعه، نشان می دهد که هرچند اصل و اساس توسعه مورد قبول بلکه غیرقابل انکار است اما محدوده آن به صورت فراگیر و بی ضابطه نیست. به واقع، شاخص و معیاری با عنوان «حفاظت محیط زیست» است که سبب محدود شدن دامنه توسعه کلاسیک شده است. بر این اساس، توسعه ضمن مقبولیت و نیاز مبرم جامعه به آن، باید از نظر «شیوه بکارگیری» به گونه ای باشد که معیار حفاظت محیط زیست را که خود از جمله نیازهای اساسی بشری است (حق جمعی و همگانی بر داشتن محیط سالم) رعایت نماید. از این رو، حفاظت محیط زیست و حق بر داشتن محیط سالم برای زندگی به عنوان معیاری کنترل کننده و نظم دهنده به توسعه کلاسیک عمل نموده و حاصل جمع آن «توسعه پایدار» شده است. توسعه پایدار در تقابل دو ضرورت مهم توسعه یافتگی و حفاظت از محیط زیست در ادبیات حقوقی وارد شد.^۱

این مفهوم اساس حقوق بین الملل محیط زیست بوده و با اعلامیه ۱۹۸۷ «آینده مشترک ما» که به «گزارش برونلند» نیز موسوم است و به وسیله کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه ملل متحد صادر شده نشأت گرفت و عمومیت یافت.

توسعه پایدار سنگ بنای اجلاس زمین را تشکیل داد و در اعلامیه محیط زیست و توسعه ریو نیز تحکیم گردید. در مفهوم دقیق توسعه باید به گونه ای باشد که نیازهای نسل حاضر را برآورده سازد بدون آنکه توانایی نسل های آینده در برآورده سازی نیازهایشان را به خطر اندازد. در این راستا توسعه ایی مد نظر است که تضمین دهد، استفاده از منابع و محیط زیست در زمان کنونی هیچ آسیبی به دورنمای استفاده نسل آینده وارد نمی سازد.

به تعبیری توسعه پایدار تعادل بین انسان محوری و زیست محوری است. در معنای انسان محوری، از محیط زیست باید حفاظت شود به دلیل نفعی که برای انسان دارد نه ارزشی که خودش داراست. ولی نظریات زیست محوری بیان می کند، انسان هم مانند سایر موجودات است و نمی تواند عناصر را از بین برد. توسعه مفهومی گویاست و پایداری ثبات را به ذهن متبادر می کند. اصول ۳ و ۴ اعلامیه ریو در تکاپوی تعریفی از توسعه پایدار است.^۲

^۱ رضانی قوام آبادی، پیشین ص ۴۱۵

^۲ همان ص ۴۱۶

توسعه پایدار از نظر مفهومی، به سازماندهی و ایجاد ارتباط متقابل بین سه محور «فعالیت اقتصادی، توسعه اجتماعی و محیط زیست» ایجاد شده است تا این سه حوزه مستقل را که بی توجهی شان به همدیگر، موجب تخریب گسترده محیط زیست جهان در دوران انقلاب صنعتی گردید، به همدیگر و حول محوری مشترک سازماندهی نمایند. در این میان، آنچه اساس کار شد، اولویت رعایت و توجه به ملاحظات زیست محیطی در فعالیت اقتصادی و اجتماعی و بویژه تحلیل اقتصادی منابع زیستی است. یعنی حفاظت محیط زیست به عنوان اساس توسعه قرار گرفت و به دلیل اینکه توسعه همساز با حفظ محیط، موجب پایداری حیات بشری و همچنین استمرار منابع طبیعی و زیستی لازم برای توسعه به نظر می رسید، مفهوم «پایدار» به چنین الگویی از توسعه الحاق گردید. شکل گیری و رشد این مفهوم، مرهون «ادعاهای حقوقی مرتبط با مظلّم مستعمراتی و عدالت توزیعی» یعنی خواسته ها و مطالبات جهان سوم است که نه تنها نقش جهان سوم را در تنظیم موازن زیست محیطی بین المللی نشان داده بلکه حقوق بین الملل اقتصادی و حقوق بین الملل توسعه را نیز تحت الشعاع قرار داده است.^۱

بند ۹ بیانیه ژوهانسبورگ (۲۰۰۲)^۲ این همنشین سازی عناصر سه گانه فوق را چنین مورد تاکید قرار داده است: «ضروری است که ما (نمایندگان ملت های جهان) مسئولیتی جمعی را برای پیشرفت و تحکیم ارکان تقویت کننده و به هم وابسته توسعه پایدار یعنی توسعه اقتصادی و توسعه اجتماعی و حفاظت محیط زیست در سطوح مختلف محلی، منطقه ای، بین المللی و سطوح جهانی بپذیریم».

در بند ۸ نیز همین مساله مورد تاکید قرار گرفت: «ده سال قبل در کنفرانس سازمان ملل متحد در مورد توسعه و محیط زیست که در ریودوژانیرو برگزار شد، توافق کردیم براساس اصول ریو، حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی و اجتماعی اساس و ارکان توسعه پایدار باشند».

در این اجلاس، براساس توافق سران کشورهای صنعتی و غیرصنعتی در مورد روند توسعه کشورهای عقب مانده و نیز زدودن آلاینده هایی که حاصل کار کشورهای صنعتی است، منشوری با نام «دستور کار ۲۱» یا «منشور زمین» انتشار یافت که گویا می بایست در راه توسعه پایدار کشورهای جهان به کار رود. یکی از نتایج کنفرانس ریو تصویب دو معاهده مهم بین المللی به نامهای کنوانسیون تغییرات آب و هوا و کنوانسیون تنوع زیستی است که هدف کنوانسیون اول جلوگیری از تغییرات غیرعادی اقلیم و گرم شدن فاجعه بار کره زمین و هدف کنوانسیون دوم جلوگیری از نابودی منابع طبیعی و گونه های جانوری و گیاهی روی زمین که حیات انسان وابسته به آنهاست، می باشد. جهت تحقق اهداف پیش بینی شده برای دستور کار ۲۱ که در واقع استراتژی های آینده بشر (در قرن ۲۱) را برای توسعه و محیط زیست تبیین کرده است، کمیسیون توسعه پایدار با حمایت سازمان ملل متحد تشکیل شده است.^۳

^۱ شمسایی، محمد، (۱۳۸۵): حقوق بین الملل اقتصادی، مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۳۳، ص ۱۱

^۲ Sustainable World Summit on JOHANNESBURG Development 2002 Sep.

^۳ مطلبی، پیشین ص ۱۰۹

یکی از دستاوردهای مهم عقلانی کردن مسائل زیست محیطی به منظور شکل دادن یک سیاست کلی، این است که انسان بتواند با شناخت طبیعت نظام مند، کارهایی را که در آینده پیامدهای زیانبار خواهد داشت، بشناسد. امروزه با مطرح شدن توسعه پایدار که محور اصلی بحث های زیست محیطی است، جهانیان خواهند توانست خود را از جریانات درونی و از خودخواهی های افراطی برهانند و مسائل را با ابعاد انسانی و جهانی آنها بنگرند. اگر انسان بتواند دانش های کارساز در توسعه پایدار فراگیرد و صادقانه درصدد کاربرد آنها برآید، به نظر بسیاری از متفکران، از جمله گاوامر- میشل فوکو و سییون رالبی و غیره، بزرگترین کشف و اختراع خود را در جهان کرده است. اما ظاهراً فعالیت های کشورهای صنعتی محدود به نوشتن توافقنامه ها شده است.

بعد از امضای توافقنامه ریودوژانیرو، توافقنامه کیوتو میان کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه به امضاء رسید و براساس آن، کشورها متعهد شدند مواد سمی شان را در سالهای ۲۰۱۳-۲۰۰۰ با مقدار ۸ درصد کاهش دهند. در آن توافقنامه ها متعهد شدند که هر سال یک میلیارد دلار به کشورهای در حال توسعه پرداخت کنند. اما ایالات متحده در سال ۲۰۰۱ از پذیرش توافقنامه کیوتو امتناع کرد و نیز کشورهای اروپای شرقی آن را نپذیرفتند؛ از اینرو، کشورهای اروپای غربی متعهد شدند که از سال ۲۰۰۵ هر سال ۴۱۰ میلیون دلار از این بابت بپردازند. کانادا و ژاپن نیز خود را پایبند توافقنامه کیوتو می دانند؛ البته گویا زیر بار تعهد مالی مشخص برای توسعه پایدار کشورهای در حال توسعه نمی روند. پس از آن در گردهمایی ژوهانسبورگ دگرگونی های شرایط آب و هوایی بررسی شد و دستاورد این گردهمایی نیز فقط صدور یک توافقنامه بود.^۱

اقتصاد جهانی به گونه ای جدایی ناپذیر با محیط زیست در ارتباط است زیرا باید منابع طبیعی را استخراج، فرآوری و سپس بهره برداری کند. براساس اصل بقای ماده و انرژی تمامی آن منابع باید نهایتاً به صورت ضایعات درآیند. اما این ارتباط کمی ضریب فشار بر محیط زیست را می توان به میزان قابل ملاحظه ای کاهش داد. به همین دلیل اثرات زیست محیطی فعالیتهای اقتصادی راحتی در صورتی که امکان رشد و توسعه آن فراهم باشد، می توان کم کرد.^۲

از آنجا که بین اقتصاد و محیط زیست ارتباط تنگاتنگ برقرار است سیاستهایی که هدف آنها نیل به یک مقصود اجتماعی یا اقتصادی است لاجرم محیط زیست را تحت تأثیر قرار می دهند، حتی اگر این امر منظر نظر سیاست گزار نباشد، اگر علل تخریب محیط زیست ریشه در کارکردهای اقتصادی داشته باشد، راه حل نیز در همان جاست.^۳

می توان گفت کیفیت محیط زیست در تمام کشورها از اهمیت برخوردار است، اما در کشورهای فقیر اهمیت بیشتری دارد. با روشن ساختن این مطلب که تخریب محیط زیست ناشی از پایین آمدن درآمد اقتصادی، یعنی کاهش یافتن تولید ناخالص ملی است بر این امر تأکید می توان تأکید نمود که حفظ

^۱ بیگزاده، صدیف، (۱۳۸۲)، ارزش گذاری منابع زیست محیطی، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم، ص ۱۴۱

^۲ سلحشور، نادعلی، (۱۳۸۰)، مسئولیت مدنی آلوده کنندگان محیط زیست، دانشگاه تهران ص ۳۳

^۳ همان ص ۳۴

کیفیت محیط زیست و ذخیره منابع طبیعی به منزله شالوده و اساس تأمین سلامت و رفاه تمامی انسانهاست. بدین ترتیب آنجا که کیفیت آب پایین است بدون تردید به بروز بیماری خواهد انجامید. بنابراین می بایست به نکات زیر توجه نمود:

الف) محیط زیست برای اقتصاد و تأمین رفاه تمامی انسانها اهمیت دارد.

ب) علل تخریب محیط زیست عمدتاً در کارکردها و خصوصاً در مورد مدیریت اقتصادی ریشه دارد.

ج) حل مشکلات زیست محیطی مستلزم اصلاح بی نظمی های اقتصادی و فراهم کردن انگیزه برای مابانی حقوق اسلامی حفظ و کاهش مصرف منابع خواهد بود.^۱

۵- مشکلات مربوط به محیط زیست در جهت توسعه پایدار

بسیاری از مشکلات مربوط به محیط زیست علل بین المللی دارند و در سال های اخیر بسیاری از سازمان ها نگران نتایج جهانی شدن اقتصاد و تقسیم نابرابر منابع ارضی شده اند. فشارهای پیچیده جهانی شدن باعث تأثیر فزاینده بازارهای بین المللی شده و با وارد کردن فشارهای تازه بر منابع طبیعی و اکوسیستم ها و توسعه سطوح ناپایدار مصرف، ساختارهای اقتصاد کلان و سیاست های ملی را تغییر داده است.^۲

توجه به منابع محیط زیست به عنوان بستر توسعه پایدار از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. توسعه ای پایدار و از ثبات لازم برخوردار خواهد بود که بتواند با حفاظت محیط زیست، رشد اقتصادی کشور را به گونه ای تضمین کند که ضمن افزایش رفاه نسل حاضر منابع لازم را برای تأمین رفاه نسل های آتی باقی بگذارد. استفاده از الگوهای توسعه و برنامه های اقتصادی که هماهنگ با طبیعت نبوده و بلکه در جهت استفاده گسترده و بدون قاعده از منابع طبیعی باشد نه تنها ما را در دستیابی به اهداف توسعه رهنمون نخواهد کرد بلکه باعث بروز مشکلاتی حاد در این زمینه می شود.^۳

از این رو مهم ترین مشکلات و موانع در بخش محیط زیست را می توان به شرح زیر بر شمرد.

- پایین بودن سطح آگاهی عمومی مدیران، طراحان و برنامه ریزان درباره مقوله محیط زیست
- استقرار غیر کارشناسانه فعالیت های اقتصادی با توجه به موقعیت جغرافیایی بعضی از آنها
- بهره برداری بی رویه و غیر اصولی از منابع کشور

- کمبود نیروهای متخصص و شایسته در امر کنترل منابع محیط زیستی

- ضعف قوانین و مقررات مدون و ملاحظات زیست محیطی در سیاست های و برنامه های کلان،

منطقه ای و محلی

- فقدان برنامه های زمانی (بلندمدت، میان مدت و کوتاه مدت) جهت نظارت بر مسائل زیست محیطی

- عدم استقلال سازمان ها و کارگزارانی که اداره امور حفاظت از محیط زیست را بر عهده دارند.

^۱ بیگزاده، پیشین ص ۱۰۸

^۲ نیامیری، پیشین ص ۳۲

^۳ بیگزاده، پیشین ص ۴

- کمبود نیروهای متخصص لازم و کافی در رشته‌های مهندسی طراحی محیط، محیط زیست، منابع طبیعی و در صورت وجود عدم بکارگیری آنها

- عدم شناخت کافی از منابع و مسائل حفاظت از محیط زیست

- عدم کارایی لازم سیستم‌های مرتبط که بتواند با نیازهای روزافزون و برنامه‌های محیط زیستی همگام

شوند

- پویایی زندگی و تغییرات در سراسر جهان و ایران

- پیچیدگی مسائل موجود در مسائل زیست محیطی که لاجرم مدیریت حفاظت محیط زیست را با مشکلات مواجه می‌کند

- فقدان هماهنگی‌های لازم از سوی سازمان‌های متعدد و مؤثر در حفاظت از مسائل زیست محیطی

- فقدان دیدگاه برنامه‌ریزی از سوی مدیران و طراحان مسائل زیست محیطی

- وجود موانع گسترده و مقدور نبودن حفاظت کامل و جامع از منابع ارضی (۲۵٪ کوهستانی و تپه)

- نارسایی و تنگناهای قانونی مسائل زیست محیطی

- فقدان درک و بینش کافی در بعد زیربنایی و آینده‌نگری در حیطه مسائل زیست محیطی

- تداخل مسائل سیاسی به جای مسائل طراحی و برنامه‌ریزی در حیطه مسائل زیست محیطی

- نبودن استراتژی معین و اهداف اساسی در انتخاب مدیران زیست محیطی

- ترکیب نامناسب نیروی انسانی، از نظر توانایی فنی و تخصصی در حوزه‌های مختلف مسائل زیست محیطی

- کمبود تجهیزات و فن‌آوری‌های نوین جهت کنترل و نظارت در عرصه‌های طبیعی و انسانی

- فقدان برنامه‌ریزی‌ها از نظر مدت اجرا در چارچوب خط مشی مناسب و اهداف کلی

- عدم برنامه‌ریزی اصولی و منطبق با شرایط محیطی و لحاظ نکردن ویژگی‌های اجتماعی که در نتیجه منجر به دوباره کاری منابع و افزایش هزینه‌ها را به دنبال داشته است.^۱

۶- روشهای مناسب و بهبود مستمر در عملکردها با رعایت اصول کلی محیط زیست در راستای تحقق توسعه پایدار

اصطلاح محیط‌زیست را می‌توان به یک منطقه محدود یا تمام یک سیاره و حتی به فضای خارجی که آن را احاطه کرده اطلاق کرد، اصطلاح بیوسفر یا لایه حیاتی که یونسکو خصوصاً آن را بکار می‌برد با یکی از وسیع‌ترین تعاریف مطابقت دارد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود. ضرورت حفظ محیط زیست، اصل غیرقابل تردیدی است که دارای مقبولیت بوده و این ضرورت به موازات رشد صنعت و فناوری و به دنبال آن

^۱ محمودی کردی، زهرا، (۱۳۹۲)، جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه پژوهشی حقوق عمومی ص ۶۶

بروز آلودگی‌ها، اهمیت بیشتری پیدا کرده است، رشد ناموزون صنایع در سال‌های اخیر و ادامه روند فعلی آن، اکوسیستم‌ها را به شدت تحت تأثیر قرار داده و می‌دهد، بنابراین هدایت فعالیت‌های صنعتی به گونه‌ای که کمترین آثار زیانبار را بر محیط زیست داشته باشد، امری اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد.^۱

با وجود اهمیت محیط زیست سالم برای بشر، تنها چند سالی است که توجه حقوقدانان به آن جلب شده است. از این رو قانونگذاری‌های چندانی در این زمینه صورت نگرفته است؛ به ویژه در زمینه جبران خسارت قوانین موجود نیز کافی نیستند؛ علاوه بر آن، ماهیت خسارت‌های زیست محیطی نیز به گونه‌ای است که در برخی موارد نمی‌توان به درستی تشخیص داد که عامل ایجاد خسارت چه کسی بوده است و اگر چند عامل موجب ایجاد خسارت در محیط زیست شده باشند، حدود مسئولیت هریک چه اندازه است؛ همچنین راهکارهای جبران خسارت، به طور معمول نمی‌توانند محیط زیست را به حالت قبل از تخریب بازگردانند؛ برای مثال چگونه می‌توان ادعا کرد که جریمه نقدی، تأثیرات مضر دود کارخانه‌ای بر لایه ازن را جبران کرده است؟ علاوه بر این مشکلات، گاهی قضات نیز در پرونده‌های زیست محیطی آزادی عمل کافی ندارند. از این نظر که در برخی کشورها، دعاوی زیست محیطی از سوی اشخاص بدین لحاظ قابلیت طرح دارند که به جان یا مال آنها لطمه وارد شده باشد و طرح دعوا برای حمایت از محیط زیست و حفظ حقوق نسل‌های آینده جدا از خسارت‌های جانی یا مالی با مشکلات بسیاری همراه است.^۲

۱-۶ - انطباق با قوانین و مقررات

سازمان ملل متحد در برنامه یونسکو در رابطه بشر و یونسکو (سال ۱۹۸۸ میلادی) در تعریف خود از محیط زیست بیان می‌دارد: «محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استقرار دارد».^۳

در تعریف آلودگی محیط زیست گفته شده است که «از هر نوع تغییر مستقیم یا غیرمستقیم در ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، زیست‌شناختی یا رادپواکتیوی هر بخش از محیط زیست مانند آب، هوا یا زمینی با تخلیه یا انباشتن آلاینده‌ها و یا انجام اعمال آلاینده به نحوی که در سودمندی محیط زیست یا هر بخشی از آن تأثیر زیان‌آوری بگذارد و شرایطی پیش بیاورد که برای بهداشت انسان و بهزیستی او، سلامتی پرندگان، حیات وحش، ماهی‌ها و دیگر آبزیان و گیاهان مخاطره آمیز یا شدیداً خطرناک باشد و محیط زیست را برای نسل امروز و نسل‌های آینده نامرغوب، نامطمئن و یا غیرقابل استفاده کند».^۴

حاکمیت دولت یکی از کهن‌ترین اصول در عرصه داخلی و بین‌المللی است که توسط اکثر نظام‌های حقوقی مورد پذیرش قرار گرفته است. قلمرو دولت نه تنها شامل خشکی بلکه شامل آب‌های سرزمینی واقع

^۱ بیگ زاده، پیشین ص ۶۵

^۲ نیامیری، پیشین ص ۱۱۰

^۳ دبیرسیاقی، منوچهر، (۱۳۸۳)، بحران محیط زیست، انتشارات حدیث امروز، قزوین ص ۴۴

^۴ دولت آبادی، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ محیط زیست، چاپ اول، انتشارات بینا ص ۸۶

در محدوده مرزهای یک دولت نیز می شود که در سطح شامل رودخانه‌ها، خلیج‌ها، دریاچه‌ها و در عمق شامل آب زیرزمینی می‌شود. همچنین شامل بخش‌های معینی از دریای ساحلی شامل خلیج‌های باز و جزایر واقع در آن که فاصله کمتری از ۲۴ مایل دریایی دارند، تحت صلاحیت انحصاری دولت ساحلی هستند، این صلاحیت سرزمینی همچنین تا ۱۲ مایلی از طول خط ساحلی با تاکید بر نظارت در این محدوده و عبور بی‌ضرر کشتی‌های خارجی مجاز است.^۱

بنابراین با توجه به اینکه موضوع قراردادهای بیع متقابل می‌تواند به واسطه وجود منابع نفتی و گازی در خشکی یا دریا باشد اعمال حاکمیت دولت را در پی خواهد داشت. مهمترین مسئله در رعایت الزامات زیست محیطی، عدم سوزاندن گازهای همراه نفت است که یکی از دغدغه‌های اصلی زیست محیطی در ایران محسوب می شود به اضافه اینکه پروژه‌های مزبور نباید به سفره‌های زیرزمینی آب لطمه وارد کرده و آنها را آلوده کند. از همین حیث قوانینی که حاوی مقررات زیست محیطی هستند، عبارتند از قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳/۳/۲۸ و اصلاحیه مصوب ۱۳۷۱/۸/۲۴، اصل پنجاهم قانون اساسی، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴/۲/۳، قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۰، کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ (مواد ۶۷۵، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۶، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱ و ۶۹۶) و بعضی دیگر از قوانین راجع به محیط زیست.^۲

علاوه بر اینها ماده ۷ قانون نفت مصوب ۱۳۶۶/۷/۹ وزارت نفت را مکلف کرده است که «در جریان عملیات نفتی ضمن برنامه‌ریزی‌های صحیح، نظارت و مراقبت کامل جهت صیانت و حفاظت منابع و ثروت طبیعی و تاسیسات و جلوگیری از آلودگی محیط زیست (آب و هوا و خاک) با هماهنگی سازمان‌های ذیربط به عمل آورد. همچنین مقررات و ضوابط محیط زیست در مناطق آزاد تجاری- صنعتی مشابه مقررات مزبور در سرزمین اصلی ایران می‌باشد و واحدی از اداره محیط زیست که در سازمان هر یک از مناطق آزاد تجاری مستقر می‌باشد به انجام وظایف و نظارت بر حسن اجرای قوانین و مقررات محیط زیست در این مناطق می‌پردازد».^۳

بارزترین بیانیه زیست محیطی در خط مشی زیست محیط آن نهفته است. براین اساس پیمانکاران متعهد اند که تاثیرات زیست محیطی ناشی از فعالیت‌ها و محصولات خود را با به کار گیری روشهای مناسب و بهبود مستمر در عملکردها با رعایت اصول کلی همچون انطباق با قوانین و مقررات، اسقرار مؤثر و بهبود مستمر سیستم مدیریت زیست محیطی، مشارکت در رسیدن به توسعه پایدار، مدیریت بر محصولات، پایش و گزارش دهی مناسب، ترغیب و تشویق تامین کنندگان و پیمانکاران در راستای حفظ محیط زیست و توجه به مسوولیت‌های اجتماعی زیست محیطی به حداقل برسانند.^۴

^۱ دبیرسیاقی، پیشین ص ۸۷

^۲ دولت آبادی، پیشین ص ۹۰

^۳ مجنونیان، ه؛ میراب زاده، پ. و دانش، م. (۱۳۸۶)، راهنمای ارزیابی پیامدهای توسعه بر محیط‌زیست، سازمان حفاظت محیط‌زیست ص ۱۳۳

^۴ دولت آبادی، پیشین ص ۹۳

از اینرو اهداف آلانی را در این زمینه برای خود تعیین نموده است. این اهداف به طور خلاصه به شرح زیر می باشند:

- کاهش مصرف انرژی و آب.
- کاهش مستمر آلاینده ها و جایگزینی مواد مخرب محیط زیست
- کاهش مصرف منابع و مواد اولیه مصرفی
- کاهش تولید ضایعات و تفکیک و بازیافت آنها در حد امکان و حرکت به سوی تولید پاک
- تلاش در جهت نگهداری فضای سبز موجود.
- ارتقاء سطح آگاهی ها و توانمندیهای آرانان و پیمانکاران با توجه به خط مشی زیست محیطی شرکت.

۶-۲- ترغیب و تشویق عمومی در راستای حفظ محیط زیست

صیانت از اکوسیستم خاک به عنوان یک منبع گراندردر و در راستای نیل به آرمانهای حفاظت از محیط زیست می باشد، از اینرو شناسائی کلیه ضایعات موجود در سازمان از نظر آیفی و آمی و همچنین نحوه دفع اصولی آنها سرلوحه کار واحد محیط زیست و نواحی تولیدی قرار گرفت. سپس با نظام مند شدن برنامه های جمع آوری و نقل و انتقال ضایعات در سازمان و همچنین نظارت هرچه بیشتر بر ضایعات تولیدی توسط کارکنان و پیمانکاران و تفکیک اصولی ضایعات این مدیریت استقرار یافت.^۱

ماده ۶۴ سازمان حفاظت محیط زیست، مکلف است: در راستای ارتقای آگاهی های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروههای اثرگذار و اولویت دار از ابتدای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران برساند. کلیه دستگاه های ذی ربط، رسانه های دولتی و صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی می باشند. نظام اطلاعات زیست محیطی کشور را در سطوح منطقه ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه چهارم ایجاد نماید تا زمینه پایش، اطلاع رسانی و ارزیابی زیست محیطی فراهم گردد. دستگاه های ذی ربط مکلف اند، در تدوین و اجرایی نمودن این نظام همکاری نمایند.^۲

۶-۳- توجه به مسوولیت های اجتماعی زیست

امروز محیط زیست ما مشتمل بر و آب، خاک، هوا و موجودات زنده بیش از هر زمانی در معرض عوامل نابود کننده قرار دارند. بنابراین حفظ محیط زیست وظیفه ای همگانی است و همه باید خود را در برابر حفظ محیط زیست مسئول بدانند و برای نجات کره خاکی تلاش کنند. با توجه به رشد روز افزون جمعیت و محدود بودن منابع طبیعی در دسترس، امروزه مسئله حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین

^۱ پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره، (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل محیط زیست، چاپ اول، بهار انتشارات دادگستر ص ۱۱۷

^۲ همان ص ۶۹

مسائل جامعه بشری مطرح شده است. نکته حائز اهمیت این است که حفظ محیط زیست محدود به مرزهای سیاسی و جغرافیایی نیست و اهتمام جمعی همه ساکنان کره زمین را می طلبد. با نگرش سیستمی، مسئله حفظ محیط زیست نیازمند یک سیستم مدیریت زیست محیطی است که به صورت یکپارچه با سایر سیستمهای مدیریتی به اجرا درآید. سیستم اطلاعات حسابداری به عنوان جزء مهمی از سیستم اطلاعات مدیریت می تواند نقش بسزایی در کمک به حفاظت از محیط زیست از سوی شرکتهای تولیدی آلاینده برعهده منظور از مسئولیت های اجتماعی سازمان، پیوستگی و اتحاد میان فعالیت ها و ارزش های سازمان به گونه ای است که منافع کلیه ذینفعان شامل سهامداران، مشتریان، کارکنان، سرمایه گذاران و عموم جامعه، در سیاست و عملکرد سازمان منعکس گردد، به عبارت دیگر سازمان باید همواره خود را جزیی از اجتماع بداند و نسبت به جامعه احساس مسئولیت داشته باشد و در جهت بهبود رفاه عمومی به گونه ای مستقل از منافع مستقیم شرکت تلاش کند.^۱

نتیجه گیری

با وجود توجه همگانی به مسائل محیط زیست و جبران خسارت های وارد بر آن، هنوز هم مشکلاتی بر سر راه جبران کامل زیان های وارده به محیط زیست وجود دارد. یکی از این مشکلات ارزیابی و تعیین مقدار خسارت واردآمده است که بسته به نوع آسیب، راهکارهای مختلفی برای آن در نظر گرفته شده است. علاوه بر آن طرح دعوای جمعی برای آسیب های زیست محیطی در برخی کشورها پذیرفته نیست و طرفداران محیط زیست بسیاری مواقع در طرح دعوای زیست محیطی با مشکل اثبات سمت مواجه می شوند که این مسئله انگیزه آنها را خسارت های زیست محیطی نیز برای انواع خسارت یکسان نیست و گذشته از آن گاهی هیچ کدام از راهکارها نمی تواند خسارات زیست محیطی را کاملاً جبران کند، ولی در مجموع تا حد امکان، بازسازی محیط زیست و اعاده وضع به حالت قبل از ورود خسارت می تواند بهترین تصمیم اخذ شده از سوی مقامات قضایی باشد.

ایجاد محیط های کارگاهی و گسترش شرکت های پیمانکاری خود، یکی از اساسی ترین و اصلی ترین مباحث در زمینه حقوق محیط زیست را ایجاد نموده است. زیرا این محیط ها به نوبه خود با محیط زیست سرو کار داشته و همواره وجود این کارگاه ها و آلاینده های زیست محیطی آنان یکی از عوامل مهم در ایجاد خسارات زیست محیطی است.

مسائلی از جمله ایجاد کارخانه ها و شهرک های صنعتی در اطراف شهر های بزرگ خود یکی از عوامل اساسی و مهم در زمینه آلاینده های زیست محیطی می باشد. به واقع سلامت شهروندان با توجه به پژوهش انجام شده در راستای چند مسئله صورت گرفته است مسائلی از قبیل آموزش، توسعه پایدار و شناخت محیط زیست از جمله عواملی است که تاثیر مستقیم بر سلامت شهروندان دارد. اما مقوله هایی در این زمینه متاسفانه مشکلات فراوانی را ایجاد نموده است. یکی از این مشکلات و معضلات عدم آموزش صحیح در مورد مسئله محیط زیست و نحوه استفاده از عملکرد های آن است.

^۱ درخسه، پیشین ص ۸۱

آنچه از وضع قوانین و مقررات بر می آید نشان می دهد که نظام های حقوقی برای حفظ طبیعت، عزم خود را جزم کرده، چرا که قوانین بسیاری در این باره تصویب شده است. تردیدی نیست که برای مقابله با تهدیدات موجود برای محیط زیست، وجود قوانین و مقررات کارآمد می تواند بسیار مفید و موثر باشد. تاکنون قوانین، آیین نامه ها و مصوبات فراوانی به تصویب مقنن رسیده، اما سوال این است که این قوانین تا کجا به نتیجه دلخواه مقنن دست یافته اند؟ باید فراموش کنیم که طبق اصل ۵۰ قانون اساسی "در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می شود. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است."

این بدین معناست که هم دولت باید در این زمینه کوشا باشد و هم مردم. اصل ۵۰ قانون اساسی به دولت این امکان را می دهد تا از ظرفیت های مردم در این خصوص استفاده کند و مردم را در حل این مشکلات یاری دهد. زمینه حل مشکلات زیست محیطی چیزی نیست جز فرهنگ سازی. اگر بخواهیم به صورت یک جانبه و مستقیم بررسی کنیم، باید بگوییم که قوانین حاضر تا حدودی قادر به حل این مشکلات هستند، اما اگر بررسی ما به صورت کلی و همه جانبه باشد، متوجه می شویم که در این میان، عوامل دیگری دخیل است که حل این معضلات را در کلان شهری مثل تهران دشوار می کند. به طور مثال، بیش از ۴ میلیون وسیله نقلیه در تهران تردد می کنند. همچنین طبق آمارهای ارائه شده، بیش از ۲۰۰ هزار دستگاه تاکسی در این شهر وجود دارد و اکثر این تاکسی ها نقص فنی دارند که سبب آلودگی هوا می شوند. مقابله با این وضع قطعاً بسیار دشوار است. تغییر در این وضع، مستلزم اقدامات پیشگیرانه و کنترل کننده است و انجام و اجرای قوانین و ضمانت اجرای شدیدی را می طلبد.

متولی اصلی محیط زیست در ایران را باید سازمان حفاظت محیط زیست دانست. مهم ترین اهداف این سازمان اقداماتی مثل تحقق اصل پنجاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور حفاظت از محیط زیست و تضمین بهره‌مندی درست و مستمر از آن و حفاظت از تنوع زیستی کشور است. قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست از جمله وظایف این سازمان را پیشگیری و ممانعت از آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، می‌داند.

سمن‌های زیست محیطی از نظر کمی رشد خوبی داشته‌اند، اما رشد کیفی این تشکله‌ها نتوانسته است چون رشد کمی آنها منحنی رو به بالایی داشته باشد که باید مورد بررسی قرار گیرد. وابسته‌نبودن به بودجه‌های دولتی و ایجاد بسترهای مناسب برای توانمندسازی این سازمان‌های زیست‌محیطی غیردولتی، دادن آزادی عمل به آنها برای فعالیت‌های آموزشی، اجتماعی و فرهنگی و به رسمیت شناختن آنها به عنوان نهادهای غیردولتی و غیرسیاسی می‌تواند تشکلهای زیست‌محیطی را به مهم‌ترین اهرم‌های اجرایی در رفع مشکلات زیست‌محیطی جامعه بدل کند. این سازمان‌های مردم‌نهاد برای فعالیت می‌توانند در سازمان محیط زیست یا وزارت کشور یا سازمان ملی جوانان به ثبت برسند.

فهرست منابع

- امیر ارجمند، اردشیر، (۱۳۸۳)، حفاظت از محیط زیست و همبستگی بین المللی، فصلنامه تحقیقات حقوقی علمی و پژوهشی دانشگاه شهید بهشتی
- بیگزاده، صدیف، (۱۳۸۲)، ارزش گذاری منابع زیست محیطی، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم،
- پورهاشمی، سید عباس؛ ارغند، بهاره، (۱۳۹۲)، حقوق بین الملل محیط زیست، چاپ اول، بهار انتشارات دادگستر دبیرسیاقی، منوچهر، (۱۳۸۳)، بحران محیط زیست، انتشارات حدیث امروز، قزوین
- درخشه، جلال (۱۳۹۳): «پیشبرد حقوق بشر در عرصه نابرابری های اجتماعی - اقتصادی» مجله مطالعات و ارتباطات، سال بیست و پنجم شماره ۱۵.
- دولت آبادی، حسن، (۱۳۸۲)، فرهنگ محیط زیست، چاپ اول، انتشارات بینا
- ذاکریان امیری مهدی (۱۳۹۴): «حق بر تامین اجتماعی در روابط بین الملل» فصلنامه مطالعات سیاسی سال هشتم، شماره ۳۰.
- رضائی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۵): «توسعه پایدار و حق بر محیط زیست سالم: چشم انداز نسل های آینده»، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره پنجم، شماره اول.
- سلحشور، نادعلی، (۱۳۸۰)، مسئولیت مدنی آلوده کنندگان محیط زیست، دانشگاه تهران
- شمسائی، محمد، (۱۳۸۵): حقوق بین الملل اقتصادی، مجله پژوهش حقوق و سیاست شماره ۳۳.
- عباسی محمود، (۱۳۸۹) رضایی راحله، «حق بر سلامت از منظر اخلاق زیستی و حقوق بشر» مجموعه مقالات همایش ملی حقوق و اخلاق در زیست فناوری.
- علی نژاد، امیر مهدی، (۱۳۹۳)، جایگاه اراضی ملی در انفال، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی سمنان،
- کولایی، الهه، (۱۳۸۵)، اقتصاد منابع طبیعی - محیط زیست و سیاست گذاری ها، ترجمه سیاوش دهقانیان و فرخ دین قزلی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ دوم
- کیس، ا، (۱۳۹۲): حقوق محیط زیست جلد سوم، ترجمه محمد حسین حبیبی، تهران انتشارات دانشگاه تهران.
- مجنونیان، ه؛ میراب زاده، پ. و دانش، م. (۱۳۸۶)، راهنمای ارزیابی پیامدهای توسعه بر محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست
- محمودی کردی، زهرا، (۱۳۹۲)، جایگاه محیط زیست در سازمان تجارت جهانی، فصلنامه پژوهشی حقوق عمومی مطلبی، محمد، (۱۳۸۲)، محیط زیست و حقوق بشر، نشریه پیام سبز، شماره ۲۵، انجمن مهندسين فضای سبز ایران، سال سوم.
- ملکی روح الله، (۱۳۸۴): بررسی حق تامین اجتماعی به عنوان یک حق بشری، نشریه حقوق اساسی، سال سوم، شماره ۵.
- نیامیر، آیدین (۱۳۸۹)، محیط زیست در اینترنت - نشریه موج سبز - سال دوم شماره ششم.